

## همسان‌گزینی زوجین

غلامرضا نائینی\*

### چکیده

ازدواج یکی مهم‌ترین مراحل زندگی است که اسلام اهمیت ویژه‌ای، بر آن قائل است. قرآن علاوه بر اینکه بر ازدواج اهتمام می‌ورزد؛ ازدواج را عامل آرامش، مودت و رحمت می‌داند و در راستای رسیدن به این آرامش، ملاک‌های را برای انتخاب همسر بیان می‌کند. مهم‌ترین شاخصه‌ای که بر دیگر شاخصه‌ها ارجحیت دارد؛ همشان بودن زوجین است که در روانشناسی و جامعه‌شناسی خانواده از آن با عنوان همسان‌گزینی در ازدواج یاد می‌کنند. اسلام بر همسان‌گزینی هم کف و در بعد ایمان و اخلاق و درجات آن تأکید می‌کند، اما به نظر، چون اصل در ازدواج، آرامش، مودت و رحمت است ملاک‌های انتخاب همسر نیز در این مسیر تعریف می‌شود، لذا همسان‌گزینی نیز برای ارتقاء آرامش، رحمت و مودت بیشتر است. پس همسان‌گزینی علاوه بر اینکه در بعد دینی، ایمانی و اخلاقی مورد تأکید است در دیگر شئون نیز جاری و ساری است. هرچند بعد دینی و ایمانی و اخلاقی از اهمیتی ویژه‌ای برخوردار است، اما همسان‌گزینی در ابعاد جسمی، اجتماعی، اقتصادی و قومیتی نیز اگر به آرامش، مودت و رحمت در بین زوجین بینجامد، مورد اهتمام دین است؛ چراکه زوجین همچنان که از نظر جسمی و جنسی مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند، در ابعاد اخلاقی، روانی، شخصیتی، اقتصادی و اجتماعی نیز می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. البته باید توجه داشت همسان‌همسری و همسان‌گزینی، امری نسبی است و درک صددرصدی آن غیرممکن است؛ چراکه زوجین یا در مراتب ویژگی‌های همسان، تفاوت دارند یا در ابعاد دیگر باهم، ناهمسان هستند و یا هم در مراتب و هم در ابعاد دیگر باهم متفاوت‌اند. پس همسان‌گزینی و همسانی در اولویت‌های زوجین مفهوم پیدا می‌کند و دین اسلام این اولویت را در ایمان و مراتب آن می‌داند.

**کلید واژه‌ها:** ازدواج، همسرگزینی، همسان‌گزینی، ایمان.

---

\* دانش آموخته سطح سه رشته مشاوره اسلامی موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع).

### مقدمه

یکی از مهم‌ترین اعمال در دین مبین اسلام، امر ازدواج است که اسلام بر آن اهتمام بسیاری دارد تا آنجایی که ازدواج را عامل تکمیل شدن دین دانسته و نیم یا دوسوم دین را از ازدواج می‌داند<sup>۱</sup> و تمرّد از آن را، روی برگرداندن از رسول خدا دانسته است.<sup>۲</sup>

قصد ازدواج یک امر و انتخاب گزینه مناسب، امر دیگر است که در دین اسلام علاوه بر تأکید بر اصل ازدواج، بر انتخاب مناسب نیز تأکید شایانی شده است. در قرآن و روایات بر این امر نگاهی ویژه، مبذول گردیده که در ذیل به آن می‌پردازیم:

۱۳۲

### ازدواج در منظر اسلام

در قرآن، سوره مبارکه یس آیه ۳۶ این چنین آمده است: **سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ**؛ منزه است خدایی که تمام موجودات عالم، از جمله گیاهان و انسان‌ها و آنچه را نمی‌دانند به صورت زوج آفرید. با توجه به این آیه مبارکه، خداوند متعال بنا را در خلقت بر جفت و زوج آفریدن گیاهان و انسان‌ها و چیزهای که علم بشر بر آن آگاهی نداشته، می‌داند. این خلقت جفت گونه عالم از منظر فرد موحد که خداوند را حکیم می‌داند امری از روی غایت و درایت است نه امری عبث.

لذا اصل خلقت بر آفرینش ازواج گونه و در نهایت برای استمرار حیات بر ازدواج آن استوار است. امر ازدواج در عالم نباتات و حیوانات امری غریزی است که به امر خداوند متعال، بدون وقفه در جریان است؛ اما در مورد انسان که صاحب

۱ پیامبر گرامی می‌فرمایند: هر کس ازدواج کند نیمی یا دوسوم دین خود را به چنگ آورده است پس در بقیه آن پرهیزگاری پیشه سازد. تاج‌الدین، شعیری؛ **جامع الأخبار**؛ ص ۱۰۱.

۲ پیامبر گرامی می‌فرمایند: ازدواج سنت من است و هر کس از سنت من روی برگرداند از من نیست. همان، ص ۱۰۲.

شعور، اراده و اختیار است در قرآن، آیه ۳۲ از سوره مبارکه نور بر آن این چنین امر شده است: وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ؛ مردان خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. پس بلاشک امر ازدواج از اصول لاینفک قرآن کریم است اما از منظر قرآن چه ازدواجی مطلوب و مأمور است؟

در آیه شریفه ۲۱ از سوره مبارکه روم این چنین آمده است: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَقِرُونَ؛ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام‌گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

و در سوره اعراف آیه ۱۸۹ می‌خوانیم: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ اوست آن‌کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام‌گیرد.

این دو آیه بیان می‌دارند که ثمره ازدواج، آرامش است که در کنار زوجه محقق می‌شود و بر اساس ازدواج، مودت و رحمت ایجاد می‌شود.

### ملاک‌های انتخاب همسر در اسلام

در اسلام معیارهای انتخاب همسر در قالب شش دسته ملاک دینی، اخلاقی و روان‌شناختی، خانوادگی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و در منابع اسلامی در خصوص میزان اهمیت هر یک مباحثی مطرح شده است. اسلام برای معیارهای مختلف، اعتبار یکسانی در نظر نگرفته و به‌نوعی به اولویت‌بندی در مورد معیارهای گوناگون پرداخته است.

بیان ملاک‌های ازدواج از لسان شارع را می‌توان در دو بُعد دنیوی و اخروی مورد بحث قرار داد. بلاشک وقتی شارع مقدس در مورد امری ورود کرده و در آن مورد، سخنی بیان می‌دارد فارق از جنبه دنیوی و فواید دنیوی آن؛ به‌غایت و



منتهای کار که بعد اخروی است، نگاهی ویژه دارد؛ زیرا از منظر شارع تمام حرکات و سکنت عالم و انسان برای رسیدن به آن غایت مطلوب است و از سوی دیگر با نگاهی اجمالی به شیوه و طریقه شارع در نوع قانون‌گذاری و نگرش او در بعد دنیوی نمی‌توان پذیرفت که شارع مقدس دنیا را رها کرده و آن را کأن لم یکن می‌داند بلکه روایاتی چون: «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا»<sup>۱</sup> نشان از آن دارد که بعد اخروی اگرچه در نظر شارع محترم و مطلوب است اما تمام‌کار نیست و ابعاد و فواید دنیوی نیز در نظر شارع محترم است.

با این نگرش می‌توان ملاک‌های ازدواج را در سه بُعد بررسی کرد.

۱. ملاک‌هایی که صرفاً جنبه اخروی داشته و در راستای تأمین آن بعد بوده و سعی در به کمال رساندن زوجین در آن بُعد را دارد.

۲. ملاک‌هایی که هم از نظر بعد دنیوی و هم از نظر بعد اخروی مورد اهتمام

است

۳. ملاک‌هایی که صرفاً بُعد دنیوی داشته و برای تأمین نیازهای این بُعد

بیان شده است.

با توجه به ملاک‌های بالا به نظر می‌رسد؛ ملاک دین‌داری در زمره ملاک‌های صرفاً اخروی است و در راستای تأمین و حراست دینی و اعتقادی زوجین است و تمام ملاک‌های اخلاق حتی اگر در زمره ملاک‌های اقتصادی یا خانوادگی قرار گرفته باشد (امانت‌داری / سخاوتمندی / قناعت / منت نهادن) در راستای تأمین نیازهای اخروی و دنیوی است و سودی دوسویه برای زوجین دارد و ملاک‌هایی چون خصوصیت جسمی و بعضی از ملاک‌های اقتصادی (مانند طلب مهریه اندک / کم‌هزینه بودن / تنبلی در تأمین معاش / ازدواج به انگیزه ثروت

۱ برای دنیای خودت چنان عمل کن که گویا در دنیا تا ابد زندگی می‌کنی و برای آخرت خودت چنان عمل کن که گویا همین فردا می‌میری. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۴۶.



زن) و بعضی از ملاک‌های خانوادگی و ملاک‌های اجتماعی در راستای تأمین نیازهای دنیوی افراد بیان شده است.

### همسان‌گزینی

همسان‌گزینی، شاغول و میزان تمام ملاک‌های بیان‌شده در امر ازدواج است.

#### همسان‌گزینی چیست؟

«کفو در لغت به معنای هم‌تا و مانند است و الکفاء و کفائت هر دو به معنای یکسانی، برابری، شایستگی و صلاحیت می‌باشد.»<sup>۱</sup> منظور از کفائت در اصطلاح علمای حقوق و فقه که در این مقاله مورد نظر می‌باشد، نوع خاصی از آن، یعنی کفائت در نکاح می‌باشد. منظور علمای مذکور از کفائت، برابری زوج و زوجه در حسب و نسب و دین و مقام و رتبه اجتماعی و غیر آن می‌باشد.<sup>۲</sup>

#### همسان‌گزینی و همسان‌همسری

در دین مبین اسلام، ملاک‌هایی برای انتخاب همسر بیان شده است، در نگاه ظاهری و آنچه عموم از ملاک‌های همسرگزینی می‌فهمند، این است که این ملاک‌ها در مسیر به دست آوردن برترین‌ها مفهوم می‌یابد؛ مثلاً اگر گفته شده که یکی از ملاک‌ها، حسن خلق است یعنی مرد به دنبال زنی باشد که دارای حسن خلق بیشتری است و مفهوم این کلام آن است که در انتخاب، برترین‌ها حق‌توست؛ پس یک‌سویه به دنبال پیدا کردن آن برتر باش. با این نگرش همسان‌گزینی بی‌مفهوم می‌نماید، زیرا هر فردی در انتخاب همسر باید به دنبال بهترین و بی‌عیب و نقص‌ترین افراد باشد. در این صورت همسان‌گزینی و برابری بی‌مفهوم است.

۱. ابن منظور، ۱/۱۴۰۸: ۱۳۹۱

۲. لسان العرب، ج ۱، ص ۱۳۹، ذیل واژه کفاً.



باید دانست که خطاب شارع و دین در بیان ملاک‌های انتخاب همسر فقط مردها و یا فقط زن‌ها نبوده است بلکه اگر شاخصی را بیان می‌نماید، هر دو طرف ازدواج را مدنظر دارد، پس اگر گفته شده است فرضاً باکسی ازدواج کن که دارای حسن خلق است این خطاب هم زن‌ها را در برمی‌گیرد و هم مردها را، یا مثلاً ولود بودن زن در زمانی معنا دارد که مرد نیز از توانایی جنسی و ولود بودن بهره‌مند باشد. مفهوم این کلام این نیست که فرد بد اخلاق یا عقیم به دنبال زن خوش اخلاق و ولود بگردد بلکه این را می‌رساند که اگر خود دارای این ویژگی‌ها هست پس فردی را که این ویژگی‌ها را دارد برای همسری برگزیند.

۱۳۶

این مفهوم از قرآن کریم قابل برداشت است؛ آنجایی که عفت و پاک‌دامنی و عدم آن را برای طرفین بیان می‌کند و در آیه‌ای دیگر زن را لباس مرد و مرد را لباس زن می‌داند<sup>۱</sup>.

از سوی دیگر با توجه به ادبیات فقهی، همسان‌گزینی، حاکم بر ملاک‌هاست یعنی می‌بایست ملاک‌ها را تحت رداء همسان‌گزینی مفهوم بخشید. (این جواب آن سؤال مفروضی است که می‌گوید، روی سخن بعضی ملاک‌ها به مردها و بعضی به زن‌هاست. اگر آن ویژگی صرفاً مختص به مرد یا زن باشد از دایره این حکومت تخصصاً خارج است مثل کم بودن مهریه

با توجه به این برداشت، ملاک‌ها در مسیر همسان‌گزینی مفهوم دارد و از سوی دیگر، همسان‌گزینی بر ملاک‌های یادشده حکومت و سیطره دارد. پس ملاک‌های بیان‌شده جز در مسیر همسان‌گزینی مفهوم نمی‌یابد.

اما آیا همسان‌گزینی مطرح‌شده از جانب دین با همسان‌همسری مطرح‌شده در روانشناسی یکسان است؟

۱. هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ (بقره، ۱۸۷)

متخصصان مسائل خانواده در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی معمولاً تأثیر منفی انواع گوناگون ناهمسانی دو زوج را به‌عنوان واقعیتی اجتماعی مفروض گرفته و براین اساس، افراد را به احراز بالاترین سطوح همسانی توصیه و تشویق می‌کنند؛ اما در برابر این برخورد نسبتاً محافظه‌کارانه، اسلام به‌عنوان مکتب دینی و الهی، رویکردی اصلاحی را به نمایش گذاشته و در جهت تغییر پندارهای فرهنگی نادرست مانند لزوم همسانی خانوادگی، قومی و طبقاتی کوشیده است.<sup>۱</sup> در اسلام، بر اصل همسان‌همسری، به‌عنوان معیار همسرگزینی و ضامن انسجام خانواده، در ذیل عنوان «همسان‌گزینی» تأکید شده است، اما دیدگاه‌های ارزشی اسلام به‌ارائه تعریف خاصی از همسان‌گزینی زن و شوهر انجامیده است. برخورد ایجابی با برخی جنبه‌های همسان‌همسری و برخورد سلبی با جنبه‌های دیگر بیانگر کوشش قانون‌گذار اسلام در جهت تغییر نگرش‌های فرهنگی نسبت به موضوع همسان‌همسری است.<sup>۲</sup>

«می‌توان گفت که اسلام ازدواج با افراد همسان را مورد تأکید قرار داده است. البته برخلاف دیدگاه همسان‌همسری در روان‌شناسی اجتماعی که همسانی زوجین را در تمامی عرصه‌ها یا لاقلاً در عرصه‌های نژاد، دین و منزلت اقتصادی - اجتماعی لحاظ کرده است<sup>۳</sup>، منابع اسلامی معیار همسانی را که از آن با عنوان «همسان‌گزینی» نام می‌برند، تنها هماهنگی سطح دینی طرفین ازدواج می‌دانند.<sup>۴</sup>»

با توجه به این برداشت، می‌توان به اشتراکاتی دست یافت، هرچند می‌توان به افتراقاتی نیز اشاره کرد. با مدنظر قرار دادن تحقیقات به‌عمل‌آمده در این دو

۱. حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۹۶.

۲. هادی حسین‌خانی نائینی، معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام، ص ۱۹۵.

۳. محمدرضا سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۳۸.

۴. حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۵۱.

حوزه، محل اشتراک این دو منظر، همسانی و همسان‌گزینی در بُعد دینی و اعتقادی است. محققان در حوزه اسلامی این‌گونه بیان می‌دارند که شیعه شرط کفایت را در ضمن شرایط صحت نکاح آورده است، ولی از آن به کفایت در دین و آزادی تعبیر نموده است. «شیخ مفید» در این رابطه در «مقنعه» می‌فرماید:

«و المسلمون الاحرار يتكفئون بالاسلام و الحریه فی النکاح و ان تفاضلوا فی الشرف و الانساب کما يتکفئون فی الدماء و القصاص فالمسلم اذا کان واجدا طولاً للانفاق بحسب الحاجة علی الأزواج مستطیعاً للنکاح مأموناً علی النفس و الاموال و لم یکن به أفه فی عقله و لا سفه فی الرأی، فهو کفو فی النکاح»<sup>۱</sup>.

از سوی دیگر تحقیقات ثبت‌شده در حوزه روانشناسی این بُعد از همسانی را مورد تأیید دارند و به‌صورت مکرر نشان داده‌شده است که نوع خاصی از همسانی، یعنی همسانی دینی در ازدواج سودمند است و به‌خصوص در ایجاد حس رضایت زناشویی تأثیر مستقیم دارد. همسانی دینی به‌صورت شباهت در نگرش و باورها در مورد تجربیات دینی مشخص تعریف می‌شود<sup>۲</sup>. افراد مؤمن به یک دین یا مذهب، همسان دینی در نظر گرفته می‌شوند و افراد دارای مذاهب متفاوت، ناهمسان دینی هستند.

یکی از اولین تحقیقات در زمینه همسان همسری دینی و رضایت زناشویی توسط Glenn در سال ۱۹۸۲ انجام شد<sup>۳</sup>. در این تحقیق، او اطلاعات جمع‌آوری‌شده از زوج‌هایی که در ایالت‌های مختلف آمریکا و از ۶ ملیت بودند و در فاصله سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ باهم ازدواج کرده‌اند، مورد بررسی قرار داد. برای هر یک از این ۶ سال، او با ۱۵۰۰ نفر به‌صورت رودررو مصاحبه کرد که از

۱ شیخ مفید المقنعه، باب ۱۳، باب الکفائة فی النکاح، ص ۵۱۲.

2 10. Heaton T B. Religious homogamy and marital satisfaction reconsidered. Journal of Marriage and the Family. 1984; 46: 729-733.

3. Glenn N D. Interreligious marriage in the United States: Patterns and recent trends. Journal of Marriage and the Family. 1982; 44(3): 555-566.



۴۸ ایالت آمریکا و دارای سن ۱۸ و بیشتر بودند. مصاحبه‌شوندگان از نظر مذهبی به چهار گروه پروتستان، کاتولیک، یهودی، ادیان دیگر و بدون دین، دسته‌بندی شدند. رضایت زناشویی با پرسش در مورد میزان خوشبختی آن‌ها در ازدواج و انتخاب یکی از سه وضعیت انجام شد. پرسش به این شکل بود: با ملاحظه همه شرایط، شما ازدواجتان را چگونه توصیف می‌کنید: خیلی خوشبخت، خوشبخت، نه‌چندان خوشبخت. با بررسی نتایج او دریافت که مردان در ازدواج همسان دینی نسبت به ازدواج ناهمسان، رضایتمندی بیشتری از زندگی دارند. این نتایج در میان مذاهب مختلف مورد مطالعه (پروتستان، یهودی و کاتولیک) تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌داد؛ بنابراین او نتیجه‌گیری کرد که همسانی دینی یک عامل مؤثر در میزان رضایتمندی از زندگی در میان مردان است. البته او نتوانست اختلاف معنی‌داری در میزان رضایتمندی در میان زنان در ازدواج همسان دینی و ناهمسان پیدا کند. او این مشاهده را این‌گونه توجیه کرد که زنان از اینکه می‌دانند فرزندانشان دین مادرشان را انتخاب خواهند کرد، چندان اهمیتی به دین شوهر خود نمی‌دهند. در سال ۱۹۸۴، Heaton مطالعه مجددی روی همان داده‌هایی که Glenn بررسی کرده بود، همراه با داده‌های جدیدی که در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ جمع‌آوری شده بود، انجام داد. در این تحقیق، ادیان در قالب‌های کاتولیک، ۶ فرقه پروتستانی، Lutheran, Presbyterian, Episcopalian, Baptist Methodist و سایر فرقه‌های پروتستانی، یهودی و بی‌دین دسته‌بندی شدند؛ مانند تحقیق قبلی، رضایت از زندگی با پرسش از مخاطبان سنجیده شد. این تحقیق تأیید کرد که همسران (مردان و زنان) در ازدواج‌های همسان دینی، رضایت بیشتری از ازدواج در مقایسه با همسران با دو دین متفاوت دارند. البته او نیز نشان داد که این اختلاف در میزان رضایت از زندگی، در مردان بیش از زنان است. او همچنین برای بررسی نظر Glenn در مورد تأثیر فرزندان بر میزان



رضایت زنان، مطالعه را در میان زنان دارای فرزند و زنان بدون فرزند انجام داد و نشان داد ارتباطی بین میزان رضایت از زندگی و تعداد فرزندان وجود ندارد. نتیجه آنکه بین همسانی دینی و رضایت زناشویی ارتباط مستقیمی وجود دارد و دلیل آن، به وجود فرزندان مربوط نمی‌شود.<sup>۱</sup> در تحقیق دیگری<sup>۲</sup>، مطالعه‌ای روی ۱۰۷۰ زن و شوهر کاتولیک و پروتستان (۲۷۶ نفر کاتولیک و ۷۹۴ نفر پروتستان) که در سال ۱۹۸۱ در ایالت نبراسکا امریکا ازدواج کردند، انجام شد و در آن، آزمون‌شوندگان به ۶ فرقه به صورت (Baptist, Calvinist, Catholic, fundamentalist, Lutheran, Methodist) دسته‌بندی شده‌اند. بررسی رضایت زناشویی در بین آن‌ها، نشان داد که هر چه فاصله مذهبی بین همسران (درجه ناهمسانی مذهبی) بیشتر باشد، نارضایتی زناشویی نیز بیشتر خواهد بود. به‌عنوان مثال، رضایت زناشویی در حالتی که هر دوی زن و شوهر، دارای مذهب Lutheran باشند بیشتر از حالتی است که تنها یکی از آن‌ها مذهب Lutheran داشته باشد. به این ترتیب، این تحقیق ثابت می‌کند که هرچه اشتراکات مذهبی زوجین بیشتر باشد، رضایت زناشویی نیز بالاتر است. مطالعه دیگری در سال ۱۹۹۰ توسط Heaton و همکاران انجام شد.<sup>۳</sup> این مطالعه بر روی ۵۸۸۲ نفر از افراد متأهل انجام شد و رضایت زناشویی با پرسشی همانند پرسش Glen مورد بررسی قرار گرفت که البته در آن، مصاحبه‌شوندگان می‌توانستند پاسخ خود را در هفت درجه، از خیلی ناراضی ۱ تا خیلی راضی ۷ انتخاب کنند. همچنین در مطالعه آن‌ها، همسانی دینی در سه سطح دسته‌بندی شد: تعلق خاطر گروهی (خود را در گروه خاصی از ادیان، قرار دادن و خطاب کردن) که اکثر مطالعات به این نوع دین‌داری توجه کرده‌اند، ملتزم

1. Heaton T B. Religious homogamy and marital satisfaction reconsidered. *Journal of Marriage and the Family*. 1984; 46: 729-733.

2. Ortega S T, Whitt H P, Williams JA. Religious Homogamy and Marital Happiness. *Journal of Family Issues*. 1988; 9(2): 224-239.

3. Heaton T B, Pratt E L. The effects of religious homogamy and marital satisfaction and stability. *Journal of Family Issues*. 1990; 11: 191-207.

بودن به مراسم کلیسا و اعتقاد به کتاب مقدس. نتایج این تحقیق نشان داد که تعلق خاطر گروهی، نقش حیاتی در رضایت از زناشویی دارد و ملتزم بودن به کلیسا تأثیر کمتر و اعتقاد به کتاب مقدس تقریباً بی‌تأثیر است. لازم به ذکر است که این تحقیق تنها فرقه‌های مختلف پروتستان و کاتولیک را مورد بررسی قرار داده است. Lehrer و همکاران<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۳ تحقیق دیگری انجام دادند و ضمن تأیید نتایج Heaton و همکاران، پایداری و ثبات زندگی زناشویی را مورد اندازه‌گیری قرار دادند. این اندازه‌گیری با پرسش در مورد میزان جدایی و طلاق از مصاحبه‌شوندگان انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد زوج‌های ناهمسان بیش از زوج‌های همسان، شانس طلاق را برای خود قائل‌اند. همچنین تفاوت معنی‌داری بین ثبات ازدواج در ادیان مختلف مشاهده نشد. به‌علاوه، ازدواج بین دو فرد بی‌دین، کمترین ثبات را نشان داد. در سال ۲۰۰۶، Rinelli بررسی بیشتری روی داده‌های Lehrer و همکاران انجام داد<sup>۲</sup> و یافته‌های قبلی را تأیید کرد. به‌علاوه، او روابط شاد را در کنار خشونت‌های فیزیکی مورد توجه قرارداد. یافته‌های او نشان داد که همسانی دینی نه تنها سبب افزایش شادی در روابط زناشویی می‌شود، بلکه میزان خشونت‌های فیزیکی را کاهش می‌دهد. به این ترتیب، بار دیگر، تأثیر مثبت همسانی دینی در رضایتمندی زناشویی مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه دیگری که در سال ۲۰۰۷ روی ۲۰۰ زوج در ایالت تگزاس انجام شد<sup>۳</sup>، با تقسیم‌بندی دین‌داری به چهار سطح: ایمان به‌روز حساب،



1. Lehrer E L, Chiswick CU. Religion as a determinant of marital stability. *Demography*. 1993; 30(3): 385-404.
2. Rinelli L N August). Explaining the difference in physical violence between married and cohabiting couples: The role of mismatching and status incompatibility. Paper presented at the American Sociological Association 2006 annual meeting, Montreal, Canada.
3. Katerndahl D A, Obregon M L. An exploration of the spiritual and psychosocial variables associated with husband-to-wife abuse and its effect on women in abusive relationships. *International Journal of Psychiatry in Medicine*. 2007; 37(2): 113-128.

نزدیکی به خداوند، مزایای هم‌رنگی با جماعت و عفو و گذشت، نتیجه‌گیری شد که عدم تطابق در سطوح دین‌داری سبب افزایش خشونت خانوادگی می‌شود. در تحقیق دیگری، ارتباط ناهمسانی دینی و ناسازگاری زناشویی مورد توجه قرار گرفت.<sup>۱</sup> این تحقیق نیز رابطه مثبت بین ناهمسانی دینی و ناسازگاری زناشویی را مورد تأیید قرار داد. به علاوه، یافته‌ها نشان داد که بین ازدواج‌های ناهمسان و فرزندان بزه‌کار نیز رابطه مستقیمی وجود دارد. فرزندان ازدواج‌های ناهمسان، سه برابر بیش از سایرین به کشیدن ماری‌جوآنا رو می‌آورند و این فرزندان، دو برابر فرزندان زوج‌های همسان دینی مبتلابه استفاده از مشروبات در سنین پایین هستند. به عقیده Legall تا پیش از ازدواج، مذهب بر رفتار جوانان مؤثر است، لیکن پس از زناشویی، ناباوری‌های دینی یکی از طرفین دشواری‌های فراوانی برای آن‌ها فراهم می‌کند و باعث ایجاد منازعات دائمی می‌گردد Hollingshead نیز می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین عواملی که هنگام انتخاب همسر بر تصمیم فرد و جامعه اثر می‌نهد، اعتقاد دینی است.» Sullivan<sup>۲</sup> در مطالعه‌ای در زمینه نقش مذهب و ازدواج در دانشگاه‌های کالیفرنیا نتیجه گرفت که باورهای مذهبی برخلاف سایر ملاک‌های زودگذر، اثر طولانی‌تری در تحکیم روابط زناشویی دارد. نتایج تحقیقات مختلف، نشان می‌دهد که تشابه نظام ارزشی زن و شوهر اثر معنی‌داری بر سال‌های بعدی زندگی زناشویی آنان دارد. محققان مختلفی بر اساس یافته‌های پژوهشی خود به این نتیجه رسیدند که شباهت زوجین از نظر

1 17. Petts R J, Knoester C. Parents' religious heterogamy and children's well-being. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 2007; 46(3): 373-389.

2 18. Sullivan K T. Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples [Electronic version]. *Journal of Family Psychology*. 2001; 15(4): 610-626.

باورها، اعتقادات و به‌ویژه اعتقادات مذهبی تأثیر مثبت بر رضامندی و سازگاری زناشویی آن‌ها دارد<sup>۱، ۲</sup>.

### موارد اختلاف

بسیاری از محققان در حوزه مسائل دینی بر این باورند که نگرش اسلام در همسان‌گزینی بر بعد دینی و ایمانی (ایمان و مراتب آن) تأکید دارد؛ و جنبه‌های چون همسانی قومی، طبقاتی و اقتصادی از منظر اسلام مورد اهتمام نبوده و در حیطه همسان‌گزینی نمی‌گنجد<sup>۳</sup> و از سوی دیگر عده‌ای از روانشناسان و جامعه‌شناسان همسان‌همسری را در عصر کنونی، اصلی مسلم دانسته‌اند و تخطی از آن را جایز نمی‌دانند.

در راستای تحلیل و به دست آوردن جمع‌بندی صحیح، لازم است اصل همسان‌همسری از منظر روانشناسی و جامعه‌شناسی و اصل همسان‌گزینی از منظر اسلام مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد تا به برداشتی صحیح منجر شود؛



1. 19. Petts R J. Parental Religiosity, Religious Homogamy, and Young Children's Well-Being. *Sociology of religion*, 2011; 72(4): 389-414.

2 20. David P, Stafford L. A Relational Approach to Religion and Spirituality in Marriage The Role of Couples' Religious Communication in Marital Satisfaction. *Journal of Family Issues*. 2013;0192513X13485922.

۳. تعالیم اسلام در گزینش همسر، بر اصل کفو به معنای همتایی و همانندی تأکید دارد. به عبارت دیگر، بهتر است زن و مرد در ویژگی‌های مناسب برای ازدواج، مشابه و تقریباً هم‌تا باشند. کفویت که مورد تأکید اولیای دین علیهم‌السلام قرار گرفته، باقاعده همسان‌همسری قابل تطبیق است. البته این همسانی بیشتر در مورد ایمان تأکید شده و زن و مرد را به سبب ایمان، همتای هم دانسته‌اند و ملاک‌های قومی، طبقاتی و اقتصادی را در همتایی در نظر نمی‌گیرند. بنابراین، در کنار برخورداری فرد از ویژگی‌های مناسب، همتایی زن و مرد یک ملاک مهم برای گزینش همسر است. پس از همانندی و تشابه زن و مرد در اصل ایمان و باورهای دینی، تشابه مراتب ایمان و ویژگی‌های اخلاقی، نیز باید مورد توجه قرار گیرد. مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۵، صفحه ۲۲۸، همسرگزینی در اندیشه دینی، محمدرضا سالاری فر.

### جمع‌بندی کفویت‌دار اسلام و همسان‌گزینی در روانشناسی

اصل در ازدواج از منظر قرآن کریم بر آرامش و ایجاد مودت و مهربانی است؛ لذا هر آنچه که از میزان این مهر و محبت بکاهد؛ باید ترک گردد. اسلام همسانی را پذیرفته اما با توجه به بعضی از نظرات محققان، اسلام بعضی ویژگی‌ها و خصایص را در حیطة همسان‌گزینی نمی‌داند (مثل اختلاف طبقاتی و سنی و تفاوت‌های نژادی و قومیتی...). از سوی دیگر روانشناسان و جامعه‌شناسان معتقدند عدم همسانی به اختلافات خانوادگی دامن زده و آن را تشدید می‌کند پس هر چه این همسانی بیشتر باشد پایداری و آرامش خانواده بیشتر خواهد شد و از موارد همسانی؛ قربت اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، تحصیلی و شخصیتی را بیان می‌دارند.

حال این دوگانگی را چگونه می‌توان تبیین نمود؛

در راستای تبیین مطلب فوق، لازم است به نکات زیر پرداخته شود؛

#### ۱. نگاه اسلام به جهان‌بینی<sup>۱</sup> و ایدئولوژی در انتخاب همسر

«جهان‌بینی و نگرش‌های هر فرد، تأثیر مستقیمی در همسرگزینی دارد؛ چراکه معیارهای گزینش همسر، برخاسته از باورها، عقاید و خصوصیات شخصی و فردی است. از میان این باورها، اعتقاد یا عدم اعتقاد به دین، نقش مهمی را ایفا می‌کند که برحسب آن ملاک‌های گزینش تغییر می‌یابد.»<sup>۲</sup>

۱. جهان‌بینی عبارت از تفسیر و برداشت کلی هر فرد از مجموعه هستی است. هستی شامل اموری مانند جهان مادی و ماورایی، هدف و غایت جهان، قوانین کلی حاکم بر آن، انسان و زندگی او می‌شود. هر فرد برخوردار از یک جهان‌بینی است که ممکن است بر استدلال، تعقل و شواهد علمی یا مبانی و استدلال‌های ساده و عامیانه، مبتنی باشد. رک. مطهری، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۴.

۲. مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۵، صفحه ۲۲۸، همسرگزینی در اندیشه دینی، محمدرضا سالاری‌فر.



اصل همسان‌گزینی اسلامی، در دایرهٔ ایمان و مراتب ایمان تعریف شده است؛ با این فرض، افرادی که در دایرهٔ فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی خود را تعریف می‌کنند و خود را مؤمن به خدا می‌دانند و با آن مبنا و اعتقاد و فرهنگ خوی گرفته و رشد نموده‌اند، کفو یکدیگر محسوب می‌شوند. پس برای اینان مثلاً اختلاف طبقاتی بی‌معناست زیرا آن ایدئولوژی و جهان‌بینی، این را بی‌معنا می‌داند و اینان این ایدئولوژی را پذیرفتند و پایبند هستند. هر قدر درجه ایمان، کمتر شود و سیر افول به خود گیرد، پایبندی به مبانی آن دین نیز کمتر می‌شود و رنگ باختن در آن فرهنگ بیشتر می‌گردد، در این صورت چنین شخصی نمی‌تواند به ایدئولوژی مثلاً عدم توجه به اختلاف طبقاتی پایبند باشد پس به خاطر عدم و یا ضعف ایمان، باید از هم‌طبقهٔ خود یا از هم‌قبیله‌ای خود که هم‌کفو او هستند همسر اختیار کند؛ زیرا اصل در ازدواج بر آرامش است پس اصل همسان‌گزینی در اینجا بر این است که این چنین افرادی از هم‌طیف خودزن گیرند یا شوهر کنند که دچار نامهربانی در زندگی مشترک نشوند.

۲. نگرش اسلام به آداب و رسوم و فرهنگ‌های اقوام و ملل مختلف

حکمت ۴۰۱ نهج‌البلاغه: هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه‌های آنان است.

نامه ۵۳ فراز ۳۸: آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند بر هم مزن و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند.

«بسیاری از موضوعات و مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی معمولاً در حال تغییر و دگرگونی هستند. روزی به شکلی و روز دیگر، به شکلی دیگر ظهور و بروز می‌کنند و مورد پذیرش قرار می‌گیرند. چنان‌که یک مسئله اجتماعی در زمان واحد، در جوامع مختلف و از زمینه‌های گوناگون صورت‌های



چندگانه پیدا می‌کند، در جامعه و سرزمینی، پذیرفته و پسندیده می‌شود و در جامعه‌ای دیگر، رد و ناپسند می‌گردد.<sup>۱</sup>

۳. با توجه به کلیت روایات و احکام، می‌توان دایره همسان‌گزینی را

وسیع‌تر از حد بیان‌شده دانست

به عکس برداشت حداقلی از مفهوم همسان‌گزینی، می‌توان با نگرشی وسیع به منابع دینی، برداشتی حداکثری را از مفهوم همسان‌گزینی در اسلام داشت. لذا می‌توان گفت «شیعه کفایت اقتصادی، حسبی، نسبی، شغلی و جنسی و... را به‌طور مستقیم در ردیف شرایط صحت نکاح به‌شمار نیاورده است، ولی این شرط را از سایر احکام مربوط به ازدواج می‌توان استنباط نمود... می‌توان ادعا نمود که قانون مدنی به‌نوعی از لزوم کفایت اقتصادی و شغلی و جنسی در بحث آثار نکاح سخن به میان آورده است.»<sup>۲</sup>

بنابر شواهدی در منابع دینی در بسیاری از موارد یادشده که به‌زعم بعضی‌ها، اسلام، همسان‌گزینی در آن‌ها را نپذیرفته، همسان‌گزینی در آن موارد اصل است، هرچند در بعضی موارد به خاطر مصالحی، این اصل تحت شعاع قرار گرفته و اجرایی نشده باشد. مثلاً:

**همسان‌گزینی سنی:** «در اسلام سن مشخصی برای ازدواج پسران و دختران

مقرر نشده است؛ اما برحسب برخی روایات<sup>۳</sup>، افتادن فاصله زیاد بین بلوغ جنسی و ازدواج از نظر اولیای دین نامطلوب قلمداد شده است.<sup>۴</sup> درعین حال، بر اساس

۱. سید اسحاق شجاعی، اهداف ازدواج‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مجله سفیر، زمستان ۱۳۸۵، پیش‌شماره ۴.

۲. عبدالرسول دیانی، کفایت در ازدواج؛ مجله دادرسی ۲۸؛ مهر و آبان ۸۰، صص ۱۸ تا ۲۴.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۹ و محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۱.

۴. حسین بستان؛ اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، ص ۱۱.



منابع اسلامی، ازدواج در سن پایین می‌تواند زمینه عدم سازگاری همسران را فراهم نماید<sup>۱</sup>. همچنان که ازدواج با زنان کهن سال نیز مورد نهی منابع دینی قرار گرفته<sup>۲</sup> و از بُعد جسمی می‌تواند آسیب‌زا به شمار آید<sup>۳</sup>. از مطالعه منابع اسلامی، مطلبی در خصوص مطلوبیت تناسب سنی طرفین ازدواج به دست نمی‌آید اما توصیف قرآن کریم از همسران بهشتی که آنان را هم سن و سال شوهران خود ترسیم می‌کند<sup>۴</sup>، ممکن است حاکی از آن باشد که تناسب سنی می‌تواند عاملی باشد تا همسران احساسات یکدیگر را کاملاً درک کنند و زندگی باهم برای آن‌ها لذت‌بخش‌تر باشد<sup>۵</sup>. به نظر می‌رسد، اصل از منظر اسلام، همسان‌گزینی در سن است<sup>۶</sup>.

**همسان‌گزینی اقتصادی:** در برخی روایات به‌طور صریح کفایت اقتصادی مدنظر قرار گرفته است، مثل این روایت که می‌فرماید: «الکفو ان یکون عفیفا و عنده یسار»<sup>۷</sup>، در روایت قدسی دیگری آمده است: «النکاح رق فاذا انکح احد احدکم ولیده فقد ارقها فلینظر احدکم لمن یرق کریمته»<sup>۸</sup>. «مسئله‌ای

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ کافی؛ ج ۵، ص ۳۹۸.

۲. محمد بن الحسن الحر العاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۰، ص ۳۶.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ کافی؛ ج ۶، ص ۳۱۴.

۴. سوره واقعه، آیه ۳۷ / سوره نبأ، آیه ۳۳.

۵. ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲۳، ص ۲۲۵.

۶. باید بین زوج و زوجه تناسب سنی وجود داشته باشد بنابراین، اگر مرد مسنی به ازدواج دختر جوانی درآید قطعاً زمینه برای تفرق و شقاق فراهم است. در ادبیات داستانی و اشعار فرهنگ غنی پارسی نیز مثال‌های روشنی از توجه به این شرط شده است، به قول شیخ اجل سعدی شیراز: زن جوان را اگر تیری بر پشت نشیند، به که پیری در پهلو بگیرد. عبدالرسول دیانی، کفایت در ازدواج؛ مجله دادرسی ۲۸؛ مهر و آبان ۸۰، صص ۱۸ تا ۲۴.

۷. وسائل، نکاح، حدیث ۵، باب ۲۸.

۸. وسائل، نکاح، حدیث ۸، باب ۲۸.



که مطرح می‌شود این است که اگر کفایت را بخصوص در جنبه اقتصادی شرط دانست، منظور کفایت بالقوه است یا بالفعل؟ مثلاً، ممکن است کسی کفایت اقتصادی بالفعل نداشته باشد ولی توان کار کردن داشته و مثلاً با توجه به سطح معلوماتش بتواند نفقه عیال را به عهده بگیرد. «شیخ مفید»، کفایت اقتصادی بالقوه را کافی برای کفایت دانسته است. معلوم می‌شود که به‌هرحال از نظر «شیخ مفید» کفایت اقتصادی شرط می‌باشد ولی آن را منحصر در کفایت بالفعل ندانسته است.<sup>۱</sup>

**همسان‌گزینی خانوادگی:** تعالیم اسلام بر مناسب بودن خانواده همسر بسیار تأکید دارد و اثرات خانواده زن و شوهر را بر فرزندان به‌عنوان یک رکن مهم در تربیت و پرورش آنها در نظر می‌گیرد.<sup>۲</sup> ازدواج با فردی که خود ویژگی‌های مناسبی دارد ولی اعضای خانواده او از صفات اخلاقی، باورهای دینی و رفتارهای مناسب برخوردار نیستند، به نحو آشکار نهی شده است.<sup>۳</sup> تأثیر خانواده بر فرزندان چه از بعد وراثت و چه تربیت، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری شخصیت آنهاست.<sup>۴</sup> هرچند فرد می‌تواند بااراده و پشتکار تا حدودی بر این عوامل غلبه کند، ولی به علت اثرات عمیق و شدید این عوامل، اولیای دین علیهم‌السلام به نحو مؤکد توصیه می‌کنند که وضعیت خانوادگی فرد، به‌عنوان یک ملاک مهم در نظر گرفته شود.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۲۱.

۲. تخیروا لنطفکم فان النساء یلدن اشباه اخوانهنّ و اخوانهنّ، محمد محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۵.

۳. ...ایاکم و خضراء الدّمن ... المرأة الحسناء فی منبت السوء»، حر عاملی، ۱۹۹۱ م: ج ۱۴، ص ۱۹.

۴. اختاروا لنطفکم فان الخال احد الضجیعین»، همان، ص ۲۹، «تزوّجوا فی الحجر الصالح فان العرق

دسّاس»، محمد محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۷۸۴۸.

۵. محمدرضا سالاری فر، همسرگزینی در اندیشه دینی، مطالعات راهبردی زنان شماره ۲۵، ص ۲۲۶.

**همسان‌گزینی هوشمندی:** تحقیقات در مورد رابطه هوشمندی همسران و سعادت خانوادگی نشان می‌دهد که اگر زن یا مرد، شریک زندگی خود را کم‌هوش‌تر از خود بداند، میزان رضایت زناشویی در این خانواده‌ها کمتر خواهد بود.<sup>۱</sup>

ایاکم و تزویج الحمقاء فان صحبت‌ها بلاء و ولدها ضیاع.<sup>۲</sup> عن الرجل المسلم تعجبه المرأة الحسنة أیصلح أن تزوجها و هی مجنونة؟ قال (علیه السلام): لا.<sup>۳</sup>

**همسان‌گزینی جسمی:** توجه به زیبایی و جذابیت ظاهری، زمینه‌ساز میل و علاقه دو طرف به یکدیگر را که ملاک مهم دیگری برای‌گزینش همسر است، فراهم می‌سازد. بر اساس تعالیم اسلام، نگاه به چهره و اندام فرد موردنظر، برای ازدواج در صورتی که قصد لذتی در آن نباشد، نه تنها مجاز شناخته شده<sup>۴</sup> بلکه مورد تأکید قرار گرفته است؛<sup>۵</sup> زیرا این امر، زمینه استمرار عواطف مثبت بین زن و شوهر را فراهم می‌سازد.<sup>۶</sup> زیبایی و جذابیت مرد یا زن، باید نسبت به یکدیگر در نظر گرفته شود؛ زیرا زیبایی یک امر نسبی است و وابسته به



۱. رک. ساروخانی، ۱۳۷۰، صص ۶۴-۶۳

۲. بحار / ج ۱۰۰، ص ۲۳۷ - وسائل / ج ۱۴، ص ۵۶، «از ازدواج با زنان احمق دوری کنید که هم‌نشینی با آنان بدبختی می‌آورد و فرزند او تباه و زیان‌آور خواهد بود».

۳. وسائل / ج ۱۴، ص ۵۷ «از امام باقر (ع) سؤال شد: اگر مرد مسلمانی از زن زیبای دیوانه خوشش آمد آیا صلاح است که با وی ازدواج نماید؟ فرمود: نه».

۴. اینظر الرجل الی المرأة یرید تزویجها فینظر الی شعرها و محاسنها؟ قال لا بأس بذلک اذا لم یکن متلذذاً، همان، ج ۱۴، ص ۶۰؛ همه روایات باب ۳۶، صص ۶۱-۵۹

۵. «الرجل یرید ان یتزوج المرأة یجوز لہ ان ینظر الیہا؟ قال نعم و ترقق لہ الشیاب لانه یرید ان یشتریہا باغلی الثمن»، همان، ص ۶۱.

۶. «آه قال للمغیرة بن شعبه و قد خطب امرأة: لو نظرت الیہا فانه احوی ان یدوم بینکما»، همان، ص ۶۱.

سلايق اشخاص؛ از اين رو، بهتر است زن و مرد در نظر يکديگر از جذابيت لازم برخوردار باشند، هرچند در نظر افراد ديگر، زيبا به نظر نرسند.<sup>۱</sup>

«اگر صرفاً کفالت ايمانی را مدنظر قرار دهيم و زنی با قد و قامت ۱/۷۰ سانتی متری را به ازدواج مردی با قد و قامت ۱/۴۰ سانتی متری درآوريم، خودبه خود زمينه قهري برای اختلاف را فراهم آورده ايم. يا مثلاً اگر زن بسيار زيبایی را به عقد مرد زشت روی درآوريم، زمينه از نظر اجتماعی برای طلاق فراهم است، بخصوص اينکه خود قانون گذار، اساسی ترين مورد از موارد طلاق خلع را در چنين موردی دانسته است.»<sup>۲</sup>

**همسان گزینی جنسی:** «یکی از وجوه بارز کفالت، کفالت در امور جنسی است. بسیاری از مشکلات از حجب و حیاي بی جهت به وجود می آید. در لسان ائمه معصومین علیهم السلام و بنا به مصالح اجتماعی، یکی از وجوه قطعی و مؤثر کفالت، برابری و همتایی جنسی است. در روایت قدسی آمده است، مردی که از نظر جنسی، همسر مورد نظر خود را پیدا نمی کرد، از طرف پیامبر مکلف شد که به طایفه خاصی مراجعه کند و همسر خود را از آن طایفه برگزیند. مثلاً در خانواده ای که طبع گرم دارند، ازدواج با زن سردمزاج، جز سختی و مزارت شوهر چیز دیگری به همراه نخواهد داشت. اگر مردی در اثر عدم شناخت ویژگی مزاج خانواده خود مبادرت به ازدواج با چنین زنی بنماید، یک عمر باید پشیمان باشد و چاره ای جز تحمل ندارد! اگر مرد مرتکب خطا شد و مثلاً زن دیگری گرفت و یا خدای نکرده مرتکب زنا شد، در حالت اول برچسب بد را بر تن خود چسبانده و در حالت دوم نیز این زنا از نظر مقررات حقوق جزا، زنای محصنه تلقی شده و مرد مستوجب رجم می باشد که این از عدالت خداوند دور

۱. محمدرضا سالاری فر، همسرگزینی در اندیشه دینی، مطالعات راهبردی زنان شماره ۲۵، ص ۲۳۳.

۲. عبد الرسول دیانی، حقوق خانواده، ص ۱۷۶.

است که نیاز را بیافریند و طریق برآورده نمودن نیاز را پاسخگو نباشد. از طرف دیگر، ممکن است زنی به دلیل داشتن طبع گرم، نیاز جنسی زیادی داشته باشد و در مقابل، مرد سردمزاج و سیله گناه زن را فراهم آورد. چه بسا شناخت ویژگی‌های جنسی همسر، مؤثر و یا حتی مانند بوی بدن، موجبات تنفر همسر را فراهم آورد درحالی‌که همین بوی بدن چه بسا برای دیگری موجب تحریک جنسی نیز بشود. لذا کفایت جنسی بسیار مهم است و شاید این نوع کفایت، مهم‌ترین وجه کفایت نیز باشد. خانواده‌های بسیاری هستند که تنها وجه اشتراک میان زن و شوهر در همین ملایمت و کفایت جنسی است. بارها دیده‌شده کسانی که هیچ‌گونه وجه مشترکی با همدیگر ندارند صرفاً به دلیل کفایت جنسی، سالیان متمادی همدیگر را در سایر جنبه‌ها تحمل می‌نمایند.<sup>۱</sup>

الف) ازدواج‌هایی که با انگیزه‌های اجتماعی، سیاسی، خانوادگی و... صورت گرفته ناقض اصل همسان‌گزینی نیست.

در بعضی از ازدواج‌ها، انگیزه‌ای غیر از صرف تزویج دنبال می‌شود؛ انگیزه‌هایی چون خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... در بعضی ازدواج‌های صورت گرفته در سیره پیامبر مکرم اسلام و معصومین علیهم‌السلام و یا سفارش‌های بر ازدواج‌های از جانب پیامبر، این انگیزه‌ها بعینه مشهود است. این دست از ازدواج‌ها که به خاطر این انگیزه‌های صورت گرفته است نمی‌تواند داخل در چارچوب وضع قانون کلی برای ازدواج باشد و اصل همسان‌گزینی را رد نمایند. ازدواج‌های پیامبر اسلام (علیه السلام) که به جز یک مورد با زنان بیوه صورت گرفته<sup>۲</sup> و نمی‌تواند قانونی برای مطلوبیت ازدواج با زنان بیوه محسوب شود زیرا «دوشیزگی و بکارت از جمله خصوصیات جسمی

۱. عبد الرسول دینانی، کفایت در ازدواج، مجله دادرسی ۲۸، مهر و آبان ۸۰.

۲. ابراهیم بابایی آملی، داستان ازدواج، ص ۱۷.

است که در منابع دینی بر آن تأکید شده است. به عنوان نمونه، خداوند متعال در توصیف همسران بهشتی، آنان را زنانی معرفی می کند که هیچ انس و جنی با آن‌ها تماس نگرفته و دوشیزه‌اند.<sup>۱</sup> در روایات<sup>۲</sup> اولیای الهی نیز موضوع دوشیزه بودن فردی که برای ازدواج انتخاب می شود، مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۳</sup> این دست ازدواج‌ها از سوی نبی مکرم اسلام ابعاد سیاسی و اجتماعی را دنبال می کرده است.<sup>۴</sup> ازدواج امام حسن و امام جواد علیهما السلام را نمی توان انتخاب غیر هم کفو نامید و اصل همسان‌گزینی را رد کرد بلکه این دست ازدواج‌ها برای تأمین ابعادی سیاسی و اجتماعی صورت گرفته و حتی در بعضی موارد از روی میل و اراده نبوده است.

ب- همسان‌گزینی امری نسبی است و تأمین صددرصدی آن مدنظر دین و جامعه‌شناسی و روانشناسی نیست.

با توجه به منابع دینی، هم‌کفوی صددرصدی در ازدواج بی‌معنا است. اسلام اصل هم‌کفو بودن و همسان بودن را می‌پذیرد اما این به معنی تطابق مطلق و صددرصدی نیست و طبق روایت زیر همسان‌گزینی نسبی اثبات می‌شود.

شخصی برای امام جواد علیه السلام نامه نوشت و در آن نظر حضرت را درباره ازدواج دختران خود و این که هیچ کس را همانند او همشان خودش نمی‌یابد، جویا شد. حضرت در پاسخ چنین مرقوم فرمودند: «آنچه را در مورد دخترانت بیان کردی و این که کسی را همانند خودت نمی‌یابی، دانستم؛ اما خدایت رحمت

۱. سوره الرحمن: آیه ۷۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، صص ۳۳۳-۳۲۳.

۳. هادی حسین‌خانی نائینی، معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام.

۴. ازدواج‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اهداف مشخص سیاسی، فرهنگی، انسانی و خیرخواهانه انجام گرفته است. سید اسحاق شجاعی، اهداف ازدواج‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مجله سفیر - زمستان ۱۳۸۵ - پیش‌شماره ۴.

کند این امر را معیار و شرط ازدواج دخترانت قرار نده» زیرا رسول اکرم ﷺ فرمود: «هرگاه کسی که اخلاق و دیانت او را می‌پسندید به خواستگاری نزد شما آمد، به وی همسر دهید؛ چراکه در غیر این صورت، فتنه و فساد بزرگی زمین را در بر خواهد گرفت»<sup>۱</sup>.

۱- همسان همسری افقی یا اشتراک در جغرافیا: دوفتری که قرار است همدیگر را ببینند و انتخاب کنند مال یک شهر و محله باشند و امکان روبرو شدن باهم را داشته باشند. با ظهور اینترنت و امکان روبرو شدن آدم‌ها از طریق موبایل‌های تصویری و شبکه‌های اجتماعی، اعتبار این همسانی جغرافیایی را تا حدودی زیر سؤال برده است اما باین‌همه، معمولاً مردها و زنها ترجیح می‌دهند باهم محله‌ای و همشهری خود ازدواج کنند. در فرهنگ ما حتی وطن مرد را موکول به ازدواج او می‌کنند و می‌گویند که وطن واقعی مرد وطن همسر اوست!

۲- همسان همسری عمودی یا در جایگاه اجتماعی یا اقتصادی مشترک بودن: دو نفر که کارمند و هم‌رده هستند یا از لحاظ درآمدی و سطح ثروت هم‌طبقه هستند بهتر می‌توانند باهم سازش و توافق داشته باشند. هم‌شغل بودن و هم‌طبقه بودن باعث می‌شود اختلاف‌های ناشی از تفاوت‌های اجتماعی نتواند وارد حریم زندگی زناشویی شود و باعث اختلاف گردد. شاید برای همین است که آدم‌های هم‌شغل و هم‌رشته بیشتر ترجیح می‌دهند بین خود، همسر مناسب را پیدا کنند.

۳- همسان همسری قبیله‌ای و سازمانی: بعضی سازمان‌ها اعضای خود را وادار می‌کنند که حتماً از بین یکدیگر زوج برای ازدواج انتخاب کنند. همین‌طور بعضی از فامیل‌های بزرگ به غریبه دختر یا پسر نمی‌دهند و ساختار قبیله‌ای حاکم بر فامیل اصرار دارد که همسر فرد حتماً از درون خود قبیله باشد. آن‌ها

۱. حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۵.



معتقدند ورود غریبه‌ها به درون سازمان و قبیله باعث از بین رفتن یکپارچگی و اتحاد بین اعضا می‌شود. بر همین اساس مهاجرین در کشورهای جدید ترجیح می‌دهند اتفاق زناشویی در بین خودشان رخ دهد. مردمان کشور جدید هم معمولاً وقتی صحبت از ازدواج به میان می‌آید ترجیح می‌دهند با مهاجرین وصلت کمتری داشته باشند.

۴- همسان همسری طولی که در آن بیشتر برداشتن خصوصیات زیست شناسانه مشابه و حتی قوی‌تر تکیه می‌شود. این ویژگی‌های زیست شناسانه عبارت‌اند از قد، سن، وزن و هیكل و... البته معمولاً در این شکل از همسان همسری برد بیشتر با مردهاست چراکه هر چه قد و سن بیشتر و هیكل درشت‌تری داشته باشند برای خود امتیاز بیشتری نسبت به رقیبان قائل هستند.<sup>۱</sup>

ج- اصل همسان‌گزینی در کنار اصل تکامل قابل معناست: همسانی صددرصدی به نفع زوجین نخواهد بود؛ بسیاری از محققان در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی و حتی در حوزه‌های دینی برای ازدواج فوایدی<sup>۲</sup> بیان می‌دارند. این فواید در دایره تکامل و مکمل بودن معنا می‌یابد.

همان‌گونه که در نیاز جنسی و بعد تکامل و مکمل بودن دیده شده است: «هریک از زن و مرد به دستگاه خاصی مجهز شده است، به گونه‌ای که در عمل، هر یک کار دیگری را تکمیل می‌کند و تولید نسل برآیندی از مجموع آن دو است. پس هر یک از زن و مرد فی‌نفسه ناقص و نیازمند دیگری است و از

۱. حمید کوثری، مجله موفقیت، شماره ۲۵۲.

۲. تجربه‌های خیلی قطعی نشان داده است که افراد پاک مجرد که به بهانه اصلاح نفس ازدواج نکرده‌اند و یک عمر مجاهده نفس کرده‌اند، اولاً اغلبشان در آخر عمر پشیمان شده و به دیگران گفته‌اند ما این کار را کردیم، شما نکنید و ثانیاً باینکه واقعاً عالم بودند تا آخر عمر همچنان یک روحیه بچگی و خامی در آن‌ها وجود داشته است. این نشان می‌دهد که نوعی از پختگی و تکامل جز در پرتوی ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود؛ بنابراین، هرگز یک کشیش و یک کاردینال به صورت یک انسان کامل در نمی‌آید، اگر واقعاً در کاردینال خودش صادق باشد. مطهری، ۱۳۷۳، ص ۳۹۷.



مجموع آن دو یک واحد تام به وجود می‌آید که می‌تواند تولید نسل را موجب شود. به دلیل همین نقص و نیازمندی است که هریک از آن دو به سوی دیگری کشیده می‌شود تا با پیوند با او آرامش یابد.<sup>۱</sup>

در خصایص روحی روانی نیز این بعد تکاملی وجود دارد. و نمی‌توان این اصل مهم را در لوای همسان‌گزینی مخفی نمود و از آن یاد نکرد کما اینکه این امر در میان محققان جامعه‌شناسی و روانشناسی نیز مطرح است؛ زیرا در مقابل نظریه همسان‌همسری، یک نظریه دیگر جامعه‌شناسی می‌گوید که انسان‌ها، طالب ازدواج باکسانی هستند که نیازهای ایشان را برآورده سازند و زندگی آن‌ها را تکمیل کند. مدافعان نظریه ناهمسانی همسران معتقدند که طرف مقابل باید چیزهایی داشته باشد که طرف اول نتواند به تنهایی برای خود فراهم سازد و این دو در کنار یکدیگر نیازها و صفات ناقص خود را تکمیل کنند.

اینکه بعضی از آدم‌های چاق و قدبلند دوست دارند با زنان کوتاه و لاغر ازدواج کنند و یا افراد برون‌گرا ترجیح می‌دهند شریک زندگی‌شان درون‌گرا باشد، جزو شواهدی است که پیروان نظریه ناهمسان‌همسری برای اثبات درستی نظریه خود عنوان می‌کنند. آن‌ها می‌گویند اگر زن و شوهر هر دو درون‌گرا و گوشه‌گیر باشند، بعد از ازدواج هرکدام به کنج خلوت خود می‌روند و یک زندگی سرد و خنک و بی‌مزه را شکل می‌دهند؛ اما اگر یکی از آن‌ها مخالف دیگری باشد می‌تواند نقص و کمبودها را جبران کند و آن پیوند را به تعادل برساند.

ناگفته نماند که مخالفان نظریه همسان‌همسری معتقدند که عین هم بودن و شباهت کامل به یکدیگر بیشتر نتیجه فشار سنت و فرهنگ غالب جامعه است و هر چه جامعه‌ای بازتر و مدرن‌تر می‌شود گرایش زن و مرد به انتخاب همسر

۱. طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۶، ص، ۱۶۶.



همسان کمتر و جسارت و قدرت ریسک زوجین در پذیرش افراد ناهمسان بیشتر می‌شود.<sup>۱</sup>

در مقابل این دیدگاه، مدافعان نظریه همسان همسری این‌گونه جواب داده‌اند:

«از لحاظ نظری همسران ناهمسان ظاهراً با صفات مکمل خود زندگی‌شان را متعادل و آرام می‌سازند ولی متأسفانه در عمل می‌بینیم که اکثر اوقات ناهمسانی و ناهمگونی خود مایه اختلاف می‌شود و بلافاصله از روز بعد از ازدواج، تفاوت‌ها به‌عنوان عاملی برای جدایی روی هم تلنبار می‌شوند. از آنجاکه در بین همسران ناهمسان وجه و زبان مشترک زیادی بین طرفین وجود ندارد به محض بروز اختلافات از یک آستانه مشخص، زمزمه جدایی و طلاق بلافاصله بین زن و شوهر شروع می‌شود و اکثراً در همان پنج سال اول، طلاق اتفاق می‌افتد. در این مواقع معمولاً تنها امید برای ادامه وصلت، جستجو و یافتن جوهری همسان و مشترک بین زوجین است که به خاطر ناهمسانی غالباً با شکست مواجه می‌شود. به‌راستی وقتی چسب نگه‌دارنده پیوند زناشویی دو نفر، وجوه اشتراک و همگونی‌ها و شباهت‌هاست، پس چه نیازی به اصرار در پیوند دادن دو نفر کاملاً نامشابه به یکدیگر است؟!»<sup>۲</sup>

آنچه در این جواب آمده خود نشان از یک‌سوی نگری به این قضیه است یعنی نگرش صفر و صدی در این قضیه، بن‌بست‌های این‌چنینی به وجود می‌آورد که یا باید این‌گونه باشد یا آن‌گونه.

به نظر هیچ‌خللی در مبانی دو طرف دیده نمی‌شود. هم استدلال همسان‌گزینی درست است و هم استدلال ناهمسان‌گزینی؛ نمی‌توان ادله ناهمسان‌گزینی

۱. حمید کوثری، مجله موفقیت، شماره ۲۵۲.

۲. حمید کوثری، مجله موفقیت، شماره ۲۵۲.



را نادیده گرفت زیرا ادله‌ای متقن دارند، همان‌گونه که جسم نیازمند به مکمل است، روح نیز نیازمند مکمل خود است و کسی در این خدشه نخواهد کرد که مثلاً حس محبت در مرد و زن متفاوت است زیرا در زن با حس مادری احساسات بیشتری نسبت به مرد بروز می‌کند و در مرد با حس پدری اقتدار بیشتری در مقابل زن تجلی می‌کند<sup>۱</sup> و تألیف کتاب‌هایی در زمینه تفاوت زن و مرد<sup>۲</sup>، خود گواه بر این است که زن و مرد در کنار یکدیگر مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند. پس نمی‌توان این را صرفاً از لحاظ نظری و تئوری پذیرفت اما در عمل به کار نیست و در عمل منکر آن شد. از سوی دیگر همسان‌همسری را نیز نمی‌توان مردود دانست. پس به نظر راه علاج، همان برداشتی است که از مبنای اسلامی به دست می‌آید و آن اینکه اسلام، اصل را بر هم‌کفو بودن زن مرد می‌داند و تکامل و مکمل شدن را در تحت رداء هم‌کفو بودن مفهوم می‌بخشد؛ یعنی اینکه انسان‌ها در انتخاب همسر می‌بایست به گرایش‌ها و نگرش‌های ایدئولوژیکی و مبنایی توجه ویژه داشته و هم مسیر باشند و در خصایص اخلاقی، اجتماعی، شخصیتی نیز به یکدیگر نزدیک باشند و همسانی نسبی را دارا باشند (نه اینکه از هم دور باشند که ناهمسانی مفهوم یابد)؛ هرچند شاید در میزان و رتبه این خصایص برابر نباشند و یا حتی در بعضی مسائل که از اولویت‌های آن‌ها نیست اصلاً هم‌کفو نباشند که در این دو صورت زوجین در

۱. برخی تفاوت‌های زیستی و روان‌شناختی سبب شده که هرکدام از مرد و زن بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش‌های متفاوتی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدیدآورند، مقصود از آفرینش انسان‌ها به صورت زوج، همین است. به‌طور مثال توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیشتر مردان برای آن است که زن و مرد دو نقش تکمیلی در کنار هم ایفا نمایند. زن، با محبت مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کار کردن خود نان‌آور خانواده باشد.

۲. اگر تمام مطالب کتاب را فراموش کردید همین‌قدر یادتان باشد که زن و مرد باهم تفاوت دارد. مردان

سیر تکامل بخشی به یکدیگر بر خواهند آمد و در زندگی مشترک از همدیگر دست‌گیری نموده و مکمل یکدیگر خواهند بود.

### نتیجه‌گیری

همسان‌گزینی و همسانی با توجه به مباحث بیان‌شده این‌گونه تبیین می‌شود که افراد ضمن قرابت در جنبه‌های مختلف مکمل یکدیگر نیز هستند. همسانی و همسان‌گزینی یک امر نسبی بوده و صد در صد آن غیرممکن است؛ چراکه امکان دارد افراد همسان باشند اما سطح این همسانی کم‌وزیاد باشد و یا در بعضی جنبه‌ها ناهمسان باشند که در این دو صورت بعد مکمل بودن خودنمایی می‌کند.

۱۵۹

با توجه به منابع دینی، اولویت همسان‌گزینی زوجین در همسانی دینی و مراتب ایمان و اخلاق است اما با توجه به بعضی خصایص زوجین و ملاک‌های بیان‌شده در انتخاب همسر، توجه به این نکته که این خصایص و ملاک‌ها دوسویه است می‌توان گفت منابع دینی در مراحل بعدی به همسان‌گزینی در ابعاد جسمی، جنسی، خانوادگی، اقتصادی و هوشمندی و... نیز توجه دارد.



## فهرست منابع

۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر: ۱۳۷۶.
۲. اقتدائی، فاطمه «بررسی مسئله کفویت زوجین از دیدگاه فرق و مذاهب اسلامی» پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی.
۳. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.
۴. بابایی آملی، ابراهیم، داستان ازدواج معصومین، چاپخانه قدس، ۱۳۹۰.
۵. بستان، حسین، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، چاپ دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۶. بستان، حسین، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، چاپ دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۷. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۹۱.
۸. حسین خانی نایینی، هادی «معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام»، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال دوم، شماره دوم، صفحه ۲۱ تا ۴۴، پاییز و زمستان ۸۹.
۹. حسین خانی نایینی، هادی. جان‌بزرگی، مسعود. آذربایجانی، مسعود. «ساخت و اعتباریابی مقیاس انتخاب همسر از دیدگاه اسلام» مجله اسلام و پژوهش های تربیتی، سال چهارم شماره اول، صفحات از ۱ تا ۳۰، بهار و تابستان ۹۱.
۱۰. دینانی، دکتر عبد الرسول، حقوق خانواده، انتشارات امید دانش، تهران، ۱۳۷۹.
۱۱. دینانی، عبدالرسول «کفائت در ازدواج» مجله دادرسی ۲۸؛ صفحات از ۱۸ تا ۲۴، مهر و آبان ۸۰.
۱۲. ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی خانواده، سروش، ۱۳۷۰.
۱۳. سالاری فر، محمدرضا «همسرگزینی در اندیشه دینی» مجله کتاب زنان، شماره ۲۵، صفحه ۲۱۷ تا ۲۴۰، پاییز ۱۳۸۳.
۱۴. سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
۱۵. شجاعی سید اسحاق «اهداف ازدواج های پیامبر اکرم»، مجله سفیر، پیش شماره ۴، زمستان ۱۳۸۵.
۱۶. شعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، انتشارات حضرت عباس علیه السلام، ۱۳۹۲.
۱۷. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی، المقنعه، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.



۱۸. صدوق، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، بیروت: دار الحوراء، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، انتشارات مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، نشر صدوق، ۱۴۱۷ ق.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد عمر بن تمیم، کتاب العین، موسسه دار الحجره، ۱۴۰۹ ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت: دار الضواء، ۱۹۹۲ م.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، بیروت: دار الضواء، ۱۹۹۲ م.
۲۶. گری، جان، مردان مریخی و زنان ونوسی، (مترجم: لولیز عندلیب، اشرف عدیلی) نشر علم، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۹۸۳ م.
۲۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدا، ۱۳۷۸.
۲۹. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۵.
۳۰. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت: آل البيت لاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۸ م.
۳۱. هاشمی نژاد، سیده سمیه. فقیهه، علی حسینی، سید حمزه. سخای سید محمود «همسان همسری از دیدگاه روانشناسی و مقایسه آن با مفهوم کفویت در فقه» نشریه اسلام و سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، دوره اول، شماره ۳، صفحات از ۵۰ تا ۶۰ پاییز ۹۳.

### منابع لاتین

1. Cindy L. Religious Homogamy Revisited: A Study of its Mechanisms and Effects on Dating and Married Christian Couples [Thesis]. [China]: University of Hong Kong; 2013. 139p.
2. David P, Stafford L. A Relational Approach to Religion and Spirituality in Marriage The Role of Couples' Religious Communication in Marital Satisfaction. Journal of Family Issues. 2013; 0192513X13485922.
3. Glenn N D. Interreligious marriage in the United States: Patterns and recent trends. Journal of Marriage and the Family. 1982; 44(3): 555-566.
4. Heaton T B. Religious homogamy and marital satisfaction reconsidered. Journal of Marriage and the Family. 1984; 46: 729-733. Katerndahl D A, Obregon M L. An exploration of the spiritual and psychosocial variables associated with husband-to-wife abuse and its effect on women in abusive relationships. International Journal of Psychiatry in Medicine. 2007; 37(2): 113-128.



5. Lehrer E L, Chiswick CU. Religion as a determinant of marital stability. *Demography*. 1993; 30(3): 385-404.
6. Ortega S T, Whitt H P, Williams JA. Religious Homogamy and Marital Happiness. *Journal of Family Issues*. 1988; 9(2): 224-239.
7. Petts R J, Knoester C. Parents' religious heterogamy and children's well-being. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 2007; 46(3): 373-389.
8. Petts R J. Parental Religiosity, Religious Homogamy, and Young Children's Well-Being. *Sociology of religion*, 2011; 72(4): 389-414.
9. Rinelli L N August). Explaining the difference in physical violence between married and cohabiting couples: The role of mismatching and status incompatibility. Paper presented at the American Sociological Association 2006 annual meeting, Montreal, Canada.
10. Sullivan K T. Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples [Electronic version]. *Journal of Family Psychology*. 2001; 15(4): 610-626.